ادامه از صفحه اول

وعده‌های توخالی انتخاباتی

در این صورت قدرت تبدیل به اقتدار می‌شود و جامعه به سمت توسعه سیاسی حرکت می‌کند. سازمان‌های مدنی یا نهادهای با رویکرد مردم‌سالار مانند احزاب و نهادهای صنفی، نمایندگی‌کردن خواسته‌های متعارض در جامعه و تبدیل خواسته‌ها به سیاست برای پاسخ‌گویی به مردم را بر عهده دارند. کمبود حضور و ایفای نقش واقعی احزاب در جامعه و انتخابات، باعث شیوع پوپولیسم و دادن وعده‌های بی‌معنی شده که مجددا به بی‌اعتمادی دامن می‌زند. مردم ایران هم‌اکنون از چند مقوله در رنج‌اند که حلقه‌های زنجیری هستند که در زندگی روزمره به دست و پایشان بسته شده است. حلقه‌هایی همچون ۱- مشکلات اقتصادی و معیشتی و سطح پایین رفاه عمومی، خانوار و افراد، ۲- فساد اداری، ۳- کم‌توجهی به سازماندهی و مدیریت و ۴- زدگی از سیاست به‌معنای گول‌زدن یکدیگر که این محورها باید در اولویت داوطلبان دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد؛ ان‌شاءالله!

بهبود قیمت نفت با حضور ایران در بازار جهانی

... که این بازگشت تدریجی و در میان‌مدت باشد. این شیوه کاملا از سوی ایران رد شده و این کشور قاطعانه بازگشت سریع به بازار جهانی و گرفتن سهم گذشته خود از این بازار را در پیش گرفته است. رویکردی که به لحاظ شرایط بازار، منطقی به نظر می‌رسد؛ چه اینکه براساس گفته وزیر نفت ایران، عدم ورود سریع به بازار نفت، فرایند بازپس‌گیری سهم ایران از بازار جهانی نفت را طولانی و پرهزینه می‌کند. با هدف کاهش آسیب‌های بازگشت سریع ایران به بازار نفت، سایر کشورهای نفتی به‌ویژه کشورهایی که نفت خود را با اعمال تحریم‌ها، جایگزین نفت ایران کردند، باید همکاری کرده و با خارج‌کردن نفت مازاد بر سهمیه خود، جای نفت ایران را در بازار باز کنند. این همکاری به‌طور طبیعی باید قبل از بازگشت عملی نفت ایران به بازار و هم‌زمان با بالارفتن انتظارات روانی در شکل کاهش عرضه و پایبندی بر نظام سهمیه‌بندی و خارج‌ساختن نفت مازاد از بازار به‌خصوص از سوی کشورهای عضو اوپک، صورت می‌گرفت که عملا تاکنون این اتفاق روی نداده است. این شرایط سبب شده که روند کاهش قیمت نفت تحت‌تاثیر فضای روانی ناشی از رفع تحریم‌های نفتی ایران و بازگشت نفت ایران به بازار، در هفته‌های اخیر تشدید شود.

با این تفاسیر به‌نظر می‌رسد روند کاهشی قیمت نفت و پایین‌ماندن آن در سطح کنونی تا زمان رفع تحریم‌های نفتی ایران و بازگشت عملی نفت به بازارهای جهانی، تداوم داشته باشد. با رفع تحریم‌ها و افزایش قابل‌توجه عرضه نفت ایران با فرض ثابت‌ماندن سایر متغیرها، روند کاهشی قیمت نفت متوقف شده و چه‌بسا این روند با سرعت پایین روبه‌افزایش گذارد. دلیل بروز این شرایط نیز روانی است؛ به‌این‌معنا که با آغاز عرضه نفت ایران در بازار جهانی انتظارات چندماهه که تشدید کاهش قیمت نفت را موجب شده بود، پایان می‌پذیرد و بازار در یک شرایط واقعی قرار می‌گیرد.

جریان رسانه‌ای در خدمت واردکنندگان

اگر در خلال دو سال گذشته، تحلیلی از فراوانی و نوع اخبار بخش کشاورزی از طریق رصد خبرگزاری و رسانه‌ها داشته باشیم، شاهد یک موج پیوسته از انعکاس خبرهایی از گرانی یا کمبود بعضی کالاهای غذایی ازجمله مرغ، میوه، لبنیات و... به‌ویژه در آغاز تعطیلات نوروزی گذشته خواهیم بود، موجی که با تکرار خبرها و چه‌بسا بزرگنمایی آن گویا بر آن بوده آب ازدست‌رفته را به جوی اهرم‌های واردکنندگان کلان برگرداند. برای بسیاری از ناظران در این حوزه، جای این نگرانی بود که چرا مدیریت وزارت جهاد کشاورزی باید آن‌چنان درگیر این فضاسازی‌ها شود که از نظر رسانه‌ها و حتی بعضی نمایندگان مجلس، وظیفه اصلی تولیدی‌اش در محاق فرو رود؟ اگرچه هدف وزارت جهاد کشاورزی از پذیرش این بار مسئولیت جدید، تنها دستیابی به تولید پایدار بوده اما نکته‌ای که باید موردتوافق تمامی پرسشگران و از جمله رسانه‌ها قرار می‌گرفت، این است که برای تحقق امنیت غذایی هیچ راهی جز کاستن هوشمندانه از واردات موادغذایی نداریم، کاهشی که پیامد آن البته احساس نیاز و رویکرد بیشتر به تولید داخلی باشد. اگر فضاسازی‌های جهت‌دار رسانه‌ای به جای تاکید بر چرایی مثلا افزایش قیمت پرتقال بعد از ممنوعیت واردات آن، شیوه‌های افزایش تولید را به چالش می‌کشیدند، قطعا سازنده‌تر به نظر می‌رسید. اکنون و در شرایط زمزمه واگذاری برنامه بازرگانی کشاورزی به وزارت اقتصاد، باید هشدار داد که نقاط ضعف احتمالی موجود و مهم‌تر از همه، جوسازی حلقه‌های واردکننده نباید ما را بار دیگر به چرخه اشتباهات گذشته بازگرداند. اگر به هر دلیلی به بازنگری قانون تمرکز نیاز باشد، باید که واردات و صادرات محصولات کشاورزی کماکان و البته با حمایت بیشتر در کنترل وزارت جهاد کشاورزی قرار گیرد؛ کنترلی که در پی آن دولت و کانون‌های پرسش و رسانه‌ای بی‌تأثیر از جوسازی واردکنندگان صاحب رابطه باشند و تا می‌توانند بازار مصرف را به شکیبایی فراخوانند.

صالحی اصفهانی در نشست راهبردی اقتصاد ایران:

دولت توپ را به بخش خصوصی پاس دهد

عکس: سعید عامری

دانیال دهقان: «تا زمانی که قدرت اقتصادی از سیاسی تفکیک نشود آزادی متولد نمی‌شود. آزادی نتیجه راهپیمایی، میتینگ و چاپ کتاب نیست؛ بلکه نتیجه تولید است». این نظریه فریدمن را در باب سرمایه‌داری و آزادی بسیاری از فعالان این عرصه می‌دانند؛ اما مشکل کجاست که راه توسعه و پیشرفت کشور تا این حد درگیر سنگلاخ شده است؟ محمود سریع‌القلم، استاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در سومین نشست از سلسله نشست‌های راهبردی اقتصاد ایران که در اتاق تهران برگزار شد، پاسخ این پرسش را در تغییر افکار می‌داند. در این نشست جواد صالحی‌اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیای آمریکا و مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران نیز به بررسی اقتصاد ایران پرداختند. صالحی‌اصفهانی در این نشست تأکید کرد اکنون زمان آن است که دولت توپ را به بخش خصوصی پاس دهد.

محمود سریع‌القلم/ استاد دانشگاه

وزیر خارجه اسبق سوئیس در جواب پرسش بنده مبنی بر اینکه چند نفر را با خود به وزارتخانه آورده است، گفت فقط منشی‌ای با تسلط به پنج زبان دنیا و قائم‌مقام وزارت خارجه را با خود به وزارتخانه آورده است و کارهای روزانه این وزارتخانه بر روی اتوپایلوت و خودکار است. چرا ما ایرانی‌ها بعد از ۱۶۰ سال نمی‌توانیم سیستم درست کنیم؟ درباره این موضوع در کتاب «اقتدارگرایی ایرانی در عصر پهلوی» بحث و بررسی شده است. واقعا چرا نتوانسته‌ایم قرارداد اجتماعی داشته باشیم. تا زمانی که نتوانیم به چارچوب فکری مشترک دست پیدا کنیم، گشایش‌ها بیشتر جنبه وصله‌ای خواهد داشت و اصالت آن‌چنانی نخواهد داشت. کشوری که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، از دو لایه حاکمیتی و دولتی تشکیل شده است؛ لایه حاکمیتی به مجموعه نهادهای امنیتی، سیاسی و مذهبی گفته می‌شود و دولت، مسئولیت و نقش مستقیم اقتصادی دارد.

جلیلی هم راه روحانی را می‌رفت

اگر جلیلی در خرداد سال ۹۲ رئیس‌جمهور ایران شده بود، عمدتا همین مسیر را می‌رفت که دولت فعلی رفته است؛ زیرا وقتی در سِمَت حقوقی قرار می‌گرفت شروع به کمّی‌اندیشیدن و در نتیجه مفهوم انتزاعی عدالت را کمی می‌کرد. از سوی دیگر، جلیلی هم می‌بایست هر ماه سه‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان یارانه نقدی به مردم پرداخت می‌کرد.

در کشوری زندگی می‌کنیم که ۹۰ هزار میلیارد تومان معوقه بانکی دارد و دولت هم حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد یا اینکه فرض کنید ۹۰ درصد بودجه کشور صرف هزینه جاری می‌شود. سهم انرژی تجدیدپذیر در ایران زیر یک درصد است که این رقم در سوئد ۴۸ درصد است. از سوی دیگر ۸۹ درصد منابع آبی در بخش کشاورزی مصرف می‌شود؛ درصورتی‌که سهم بخش کشاورزی در جی‌دی‌پی ۱۵ درصد است. در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی رتبه ایران بالای صد است. در طبقه‌بندی‌های جهانی، نفتی که ۱۰۰ دلار بوده اکنون به ۳۰ دلار رسیده است؛ بنابراین جلیلی هم باید بودجه را با ۳۰ دلار تهیه و تنظیم می‌کرد.

شاید در دولت جلیلی زودتر توافق می‌شد

شخصی که در آن جایگاه حقوقی قرار می‌گرفت با شرایط فعلی مجبور می‌شد عددی و رقمی فکر کند و عینی و واقعی باشد و این باعث می‌شد شاید توافق هسته‌ای زودتر انجام شود. اگر دولت نهم و دهم، یعنی از خرداد ۸۴ تا سال ۹۲ را در نظر بگیریم، می‌بینیم دولت احمدی‌نژاد در مبانی، مفاهیم و تعاریفی که در آن زمان داشت، تجدیدنظر کرد؛ زیرا با حکمرانی کمی و واقعی روبه‌رو است و تمام دولت‌ها متوجه شدند ایران بدون روابط بین‌المللی نمی‌تواند اقتصاد ملی را مدیریت کنند. درحال‌حاضر امنیت کشور به چه صورت تأمین می‌شود؟ آیا باید قدرت نظامی را بیشتر کنیم یا درآمد سرانه را؟ اگر تاریخ کشورهای مهم در حال توسعه امروزی، ازجمله برزیل، آرژانتین، شیلی، ترکیه، کره جنوبی، چین و اندونزی را مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم به درک واحد رسیده‌اند؛ برای مثال حاکمیت اندونزی در ۴۰ سال گذشته دست نظامیان بود، اما به درک و اجماع واحد رسیدند که سهم بخش خصوصی باید در اقتصاد و بازار بین‌المللی بیشتر شود؛ بنابراین تا زمانی که تعاریف مشترک و واحدی نداشته باشیم، نمی‌توانیم حکمرانی باثباتی داشته باشیم.

ایران نیازمند دیالوگ و گفتمان ملی است

امروزه کشورهای در حال توسعه اختلافات فسلفی را پشت سر گذاشته‌اند؛ برای مثال اختلاف اوباما با بورس فلسفی نبوده، بلکه اختلافات آنها در سیاست‌گذاری‌ها بوده است. به‌طور کلی ایران نیاز به دیالوگ جدی و گفتمان در سطح ملی دارد و باید از اختلافات فلسفی عبور و به تعاریف مشترک برسد. ما ایرانی‌ها وقتی فرهنگمان را مطالعه و مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم سطح همکاری بین ایرانی‌ها بسیار ضعیف است. ایرانی‌ها ضریب هوشی بالایی دارند، اما در فرایند جمعی با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و این امر به دلایل مختلف است که نبود جریان پایدار در صنعت و تولید، ازجمله آن است. اگر قرار باشد به تفاهم فکری دست پیدا کنیم به همکاری فکری نیازمندیم و در این جهان هیچ کشوری را نمی‌توان پیدا کرد که بدون تعامل و سیاست خارجی به ثروتی دست پیدا کرده باشد.

۹۵ درصد موضوع هسته‌ای نتیجه حاکمیت بود

در موضوع هسته‌ای باید گفت ۹۵ درصد خروجی آن نتیجه حاکمیت بود، نه دولت. در ۱۵۰ سال گذشته موضوع ترقی و پیشرفت را بیش‌ازحد سیاسی کرده‌ایم؛ درصورتی‌که این موضوع علمی است. موضوع هسته‌ای در ایران، در سطح حاکمیت جدی قلمداد شد و ورود به بحث‌های مهم به طرق کمی دنبال شد؛ بنابراین حکمرانی، یعنی کمی نگاه‌کردن و مسائل و موضوعات را به عدد و رقم تبدیل‌کردن. ایران در بین ۲۵ کشور آسیایی در رتبه ۱۵ قرار دارد؛ بنابراین با ادامه نگاه و روند گذشته، رتبه ایران به ۲۳ می‌رسد. موضوع توسعه‌یافتگی فاکتورهای مختلفی ازجمله جهانی‌شدن، قابلیت گوگل‌شدن، جنبه ریاضی و فرمولی و تصمیم‌گیری در سطح حاکمیت دارد؛ بنابراین اصول توسعه‌یافتگی مبتنی بر تجربه بشری بوده و جنبه بین‌المللی دارد. نرخ تورم در کشوری مانند آلمان در ۴۵ سال گذشته بین ۱.۵ تا دو درصد بوده که چنین موضوعی نشان‌دهنده پیامدهای سالم‌بودن اجتماع و سیاست و... در این کشور است، اما در ایران نرخ تورم در ۲۰ سال گذشته با نوسان زیادی همراه بوده است. کشوری مانند سنگاپور هم همین‌طور. این کشور با پنج میلیون جمعیت که ۱/۵ میلیون نفر آن نیز خارجی هستند، در بخش آی‌تی جزء پنج کشور اول جهان است. همچنین سنگاپور سالانه به پنج ایرانی بورسیه دکترا می‌دهد.

شأن ایران در برابر عربستان در این حد است؟

کانون استراتژی عربستان و اسرائیل ضعیف نگه‌داشتن ایران است و آنها می‌دانند که ایران هیچ‌وقت راه‌حل نظامی نداشته است؛ به‌همین‌دلیل تحریم‌ها را در پیش گرفتند. به‌طور کلی ایران نمی‌تواند بدون ارتباطات بین‌المللی مسائل سیاسی و امنیتی را حل کند. ناگفته نماند در هفته گذشته قائم‌مقام وزیر امور خارجه به کویت رفت تا لابی کند؛ بلکه مسائل خود را با عربستان حل کند. آیا شأن ایران در این حد است؟ فریدمن درخصوص سرمایه‌داری و آزادی نظریه‌ای دارد که محصول ۳۰۰ سال کار فکری است. وی می‌گوید تا زمانی که قدرت اقتصادی از سیاسی تفکیک نشود آزادی متولد نمی‌شود و آزادی نتیجه راهپیمایی، میتینگ و چاپ کتاب نیست؛ بلکه نتیجه تولید است.

تا فکرها عوض نشود کشور پیشرفت نمی‌کند

نمی‌توان با جهان در تقابل بود اما خواهان افزایش تجارت بود و تا زمانی که فکر ما عوض نشود کشور پیشرفت نمی‌کند؛ به‌عنوان‌مثال نرخ تورم اندونزی در ۱۰ سال گذشته از ۲۰ درصد به ۹ درصد رسید که حاصل اجماع درون حاکمیت است.

عزت ملی یعنی صفرشدن مهاجرت ایرانی‌ها

خواهش بنده از رسانه‌ها این است که به معنی عزت، استقلال، آزادی و عدالت بپردازند؛ اما نه از بعد فلسفی، بلکه ریشه‌ای به آن نگاه شود. به‌عنوان‌مثال باید دید که شهروندان عزت را چگونه معنی می‌کنند. معنی واقعی عزت صفرشدن نرخ مهاجرت است؛ عزت یعنی یک ایرانی به فکر مهاجرت نباشد و به این فکر نباشد که از مالزی به استرالیا سفر کند و چند سال را به امید زندگی و کار در کمپ‌ها سپری کند.

جواد صالحی‌اصفهانی/ استاد دانشگاه
دولت توپ را به بخش خصوصی پاس دهد

دولت‌ها در مسیر توسعه نقش بسیار مهمی دارند. دولت یک ساختار منسجم دارد که می‌تواند به عنوان موتور محرک عمل کند، اما بخش خصوصی این‌گونه نیست. آقای سریع‌القلم به درستی اشاره کرد که سطح همکاری در بین ایرانی‌ها بسیار پایین است که بنده به این موضوع مقداری خوش‌بین هستم. در بخش خصوصی نیز باید کمبودها را شناسایی و برای رفع آن کار جمعی انجام دهیم. به طور کلی بخش خصوصی باید هدایت جامعه و اقتصاد را در دست بگیرد.

ارتباطی بین واردات و صادرات ایران وجود ندارد

در کره جنوبی زمانی که شرکتی صادرات خود را افزایش می‌دهد ارز بیشتری به کشور وارد می‌کند، بنابراین به واردات ضربه می‌زند و در مسابقه بین این دو، صادرات پیروز می‌شود، اما در ایران که بخش عمده صادرات آن نفت است ارتباطی بین بخش صادرات و واردات وجود ندارد و این ارتباط قطع است.

نفت کانال ارتباطی ایران با جهان است

درحال‌حاضر کانال ارتباطی ایران با جهان، نفت است و تا زمانی که این جابه‌جایی رخ ندهد شاهد تغییر در رفتارهای اقتصادی و سیاسی نخواهیم بود.

دولت برای تحصیل و آموزش سرمایه‌گذاری کرد و آموزش را برای ترتیب‌کردن کارمند درنظر گرفت، اما بخش خصوصی به چنین نیروی انسانی نیاز ندارد بنابراین بخش خصوصی باید نقش کلیدی در ترتیب نیروی انسانی داشته باشد و نباید آن را به دولت واگذار کند، زیرا دولت این‌کاره نیست. نقش بخش خصوصی در ایجاد دانش مستقل درباره سیاست اقتصادی بسیار مهم و کلیدی است، اما چنین اقدامی هزینه دارد. تاکنون دولت اقدامات خوبی انجام داده و اکنون زمان آن است که توپ را به بخش خصوصی پاس دهد. همچنین برای آزادبودن بازار باید بخش خصوصی و دولت، بازارها را مانند معماری با اصول توسعه و الگوی داخلی دوباره طراحی کنند. در مورد اشتغال‌زایی در اقتصاد دانش‌محور در نبود رونق نفتی باید گفت در دولت‌های گذشته اقدامات و هزینه‌های زیادی انجام شده اما منجر به پیشرفت و جهانی‌شدن نشده است، به عنوان مثال در دولت اصلاحات طرح ضربتی اشتغال و در دولت احمدی‌نژاد شاهد طرح بنگاه‌های زودبازده بودیم، باید پرسید خروجی آن چه شد؟ اکثر بی‌کاری‌ها دوره‌ای و اکثر بی‌کاران تحصیل‌کرده هستند و بی‌کاران هنوز کاری انجام نداده‌اند که بخواهند بیمه کاری دریافت کنند. در عربستان تصمیم گرفتند ۸۰۰ دلار ماهانه به افرادی جویای کار پرداخت کنند که اکثر حقوق‌بگیران خانم بودند و حاضر نبودند دنبال کار بروند و سرانجام تعداد حقوق بگیران از بی‌کاران افزایش پیدا کرد. برخی از بی‌کاران تحصیل‌کرده نخواستند در دنیای رقابتی شرکت کنند و اگر روزی جی‌دی‌پی به هشت درصد برسد شاید این افراد بازهم حاضر نباشند کار کنند. درحال‌حاضر اکثر تحصیل‌کرده‌ها در بدنه دولت هستند. طبق آمار منتشرشده در سال گذشته ۶۷ درصد کارمندان دولت دیپلم به بالا هستند. متأسفانه بخش خصوصی نقش مهمی در ترتیب سرمایه انسانی ندارد و نقش راهبردی آن هنوز مشخص نیست. البته اکنون بخش خصوصی ۸۰ درصد شاغلان حقوق‌بگیر را شامل می‌شود که درصد جذب نیروی انسانی دیپلم به بالا از ۱۰ به ۴۵ رسیده و بخش خصوصی به سمت جذب نیروهای آموزش‌دیده و تحصیل‌کرده سوق پیدا کرده است.

۲ تغییر در قانون کار

در قانون کار باید تغییراتی صورت گیرد که یکی از موارد آن، این است که انگیزه کارگر برای تولید مولد در عین حال باید با کاهش ریسک همراه باشد. البته کارفرما تنها فردی است که می‌تواند در خصوص کارگر تصمیم‌گیری کند بنابراین قانون کار باید اختیار را به کارفرما دهد، اما جریمه نیز در نظر گیرد. همچنین طرح‌ها و سیاست‌ها باید در سطح خرد اجرا و سپس در سطح کلان دنبال شود نه اینکه طرح در سطح کلان شکست بخورد و هزینه سنگین تحمیل کند.

ایران کارخانه تولید مدرک

ایران کارخانه تولید مدرک شده است، به جای اینکه درآمد نفت صرف تولید مدرک شود، می‌توان آن را برای بالابردن سطح کیفی سرمایه انسانی به کار گرفت.

یک میلیون نفر در ایران برای آزمون فوق‌لیسانس شرکت کرده‌اند، در صورتی که لیسانس بی‌کار زیادی داریم و از سوی دیگر در هیچ‌جای دنیا برای دکترا آزمون تستی نمی‌گذارند.

کیفیت اینترنت ایران نیز باید افزایش یابد، زیرا بدون استفاده از اینترنت اگر قصد اتصال نیروی کار ایران به جهان را داشته باشیم امکان‌پذیر نیست.

بخش خصوصی باید میدان‌دار باشد
مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران

بیستم ژانویه زمان اتمام تحریم‌ها علیه ایران است. اتفاقات بزرگی در چند ماه گذشته در ایران رخ داده و کشور ۱۲ سال چالش را پشت‌سر گذاشته است. در آینده با برداشته‌شدن تحریم‌ها، در بازارهای جهانی رو به ایران باز می‌شود و شاهد گشایش اقتصادی و سیاسی خواهیم بود. بخش خصوصی و دولتی مشکلاتی دارند که باید برطرف شود. بخش دولتی ساختار اقتصادی معیوبی دارد و در طول ۳۰ سال گذشته شاهد این ساختار معیوب بودیم که در دولت گذشته به اوج رسید. ساختار معیوب شامل دولت بزرگ، فساد، بوروکراسی حاکم در تشکیلات، مشخص‌نبودن قیمت ارز، مسئله امنیت سرمایه‌گذاری و بانک و فضای کسب‌وکار است. در ۳۰ سال گذشته، اقتصاد کشور بیش‌ازحد دولتی بوده و از سوی دیگر درآمدهای نفتی به‌شدت کاهش یافته است. در سال ۹۰ شاهد درآمد نفتی ۱۱۰میلیارددلاری بودیم که این رقم در سال جاری به ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. اگر خواهان رشد، پیشرفت و توسعه هستیم، باید بخش خصوصی میدان‌دار باشد. در دولت قبل، ساختار اقتصادی دچار مشکل شد که این مشکلات در بخش خصوصی شدیدتر شد و از سوی دیگر در بخش خصوصی هم مانند بخش دولتی، شفافیتی وجود ندارد و با جامعه جهانی هم کمتر در ارتباط بودیم. در این مدت میزان سرمایه‌گذاری به دلیل کوچک‌بودن شرکت‌ها و نداشتن برند مطرح در دنیا و تکنولوژی ضربه‌خورده و نداشتن بازار صادراتی از جمله چالش‌ها و مشکلات اقتصادی ایران بوده است. در ماه‌های گذشته، هیأت‌های تجاری خارجی بسیار زیادی را پذیرفتیم و اکنون به دنبال ارتباط بیشتر با جهان هستیم. بنابراین باید از این ظرفیت و پتانسیل به‌نحواحسن استفاده کنیم. اگر خواهان دست‌یافتن به نرخ رشد اقتصادی هشت‌درصدی هستیم، به حداقل ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم که با سرمایه‌گذاری داخلی امکان‌پذیر نیست.

کفه اخبار منفی سنگین‌تر از اخبار مثبت

شاخص، ۲۰۰ واحد ریخت

علی سیدخسروشاهی . تحلیلگر بازارهای مالی

مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود، درحالی نرخ تورم یک‌ساله منتهی به آذرماه سال جاری را ۱۲.۶ درصد اعلام کرده که نرخ رشد اقتصادی شش‌ماهه اول سال ۹۴، مثبت یک درصد محاسبه شده است. رشدی که با وجود بسیاری از صنعتگران، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی، چیزی جز رکود برای آنها درپی نداشته است. دست‌کم صنایع حاضر در بورس، مهر تأییدی بر این گمانه می‌زنند که فعلا خبری از رشد نیست. اولین روز از معاملات هفته جاری، با رشد شاخص کل و افت قیمت سهام بسیاری از شرکت‌ها آغاز شد؛ به طوری‌که شاخص برای دقایقی وارد کانال ۶۳ هزار واحد شد. اما این شروع پر ابهام در روز یکشنبه، مسیر خود را بسیار شفاف مشخص کرد و با معامله منفی بسیاری از نمادها با ۱۹۳ واحد افت، به عدد ۶۲ هزار و ۴۶۱ واحد رسید. البته روند روز گذشته، با توجه به تنش ایجادشده بین ایران و عربستان و نیز افت قابل‌توجه بازارهای مالی بین‌المللی، دور از ذهن نبود. درمقابل، حرکت هیجانی اواخر هفته گذشته، کمی غیرمنطقی به‌نظر می‌رسید.

در این بین، آثار اخبار مثبتی چون اجرایی‌شدن برجام و رفع بسیاری از تحریم‌های اقتصادی، حضور برخی از سرمایه‌گذاران خارجی و سفر رئیس دولت به فرانسه را نیز باید مدنظر قرار داد. البته کفه اخبار منفی سنگین‌تر از اخبار مثبت، متصور است. بازارهای مالی جهان، با نوسان عجیبی هفته اول سال نو میلادی را شروع کرد. این حرکت شتاب‌آلود هرچند نشان‌دهنده هیجانات ابتدای سال است، درعین‌حال بیانگر آن است که اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ همراه با نوسانات بالایی خواهد بود. در سال پیش‌رو میلادی، پیش‌بینی یک اصلاح جدی در بازارهای بورس دور از ذهن نیست که نشانه‌های آن در هفته اول ژانویه، در بازار چین مشاهده شد. این نوسانات ادامه خواهد داشت. شکست عجیب بازار بورس چین نشان داد که این کشور بسیار شکننده‌تر از آن است که عده‌ای باور می‌کردند. وقتی به مدت پنج سال در هر فصل، تولید این کشور درحال کاهش است، قطعا مشکلی وجود دارد. در نتیجه شکست شاخص بورس در چین به معنی شکست مجدد قیمت مواد اولیه در سطح جهانی است. افزایش قیمت طلا در بازارهای جهانی نیز می‌تواند مؤید این شکنندگی باشد. روند تضعیف ارزهای کالای پایه رو به افزایش است. طبیعی است که قیمت مواد اولیه هم رو به کاهش است. نفت هم هر روز کاهش پیدا می‌کند. نفت، وارد کانال ۲۰ دلار شده و نفت صادراتی ایران هم در این زمینه پیشگام است. در نتیجه هر پدیده، وضعیت یا کالایی که مرتبط با نفت باشد، با تغییرات قابل‌توجهی همراه خواهد بود. تضعیف یک‌باره یوآن در یک هفته اول سال میلادی، نشان می‌دهد که قیمت مواد اولیه و ازجمله نفت، استعداد بیشتری برای کاهش دارد؛ ولی اگر ساختار اقتصادی جهان ثابت بماند، احتمال نزدیک‌شدن به حداقل قیمت‌ها یا به‌اصطلاح کف قیمت‌ها، در سال جاری میلادی بسیار زیاد است. با توجه به نوسان بازارها، تصمیمی عقلایی است که تا برگشت ثبات، مدیریت سبد دارایی‌های مالی، با حساسیت بیشتری انجام شود.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۲۴۶۱	-۱۹۳,۹۸
شاخص قیمت	۲۴۲۲۲,۷	-۷۵,۲۰
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۰۰۸۷۵	۹,۱۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۵۳۷,۲	۷,۸۰
آزاد شناور	۶۹۱۵۳,۹	-۲۱۸,۱۸
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۲۱,۹	-۱۰,۳۰

گزارش

رئیس اتاق اصناف ایران:

با اقاچاق ۲۲ میلیاردی نمی‌توان صحبت از تنظیم بازار کرد

● **شرق:** با رکودی که بازار را فراگرفته، برگزاری نمایشگاه‌های فصلی هم تبدیل به معضل شده و حتی بین مسئولان دراین‌باره اختلاف نظر وجود دارد؛ آن‌گونه که معاون اول رئیس‌جمهور بر برگزاری نمایشگاه بهاره تاکید دارد؛ اما قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس اتاق اصناف به دلیل انباشت تولید و رکود با برگزاری این نمایشگاه مخالف است. قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در همایش سالانه اتاق اصناف تهران، وضعیت تولید کشور را نگران‌کننده خواند و گفت: رکود یکی از دردهای مزمن صنعت امروز کشور است. به گزارش خبرگزاری‌ها، مجتبی خسروتاج با اشاره به سیاست دولت برای توزیع کارت‌های اعتباری گفت: کارت‌های اعتباری یکی از راهکارهایی است که می‌تواند فضای تقاضا را تحریک کند؛ چراکه بازار، امروز پویایی لازم را ندارد و از طرف دیگر در بسته خروج از رکود، خرید دِین برای کالاهای واسطه‌ای تعریف شده که این کار از سوی بانک‌ها کم‌وبیش در حال اجراست. خسروتاج در ادامه با اشاره به رکود فعلی بازار خاطرنشان کرد: با توجه به وفور کالا و شرایطی که در فضای رقابتی به‌وجود آمده، هیچ دلیلی برای برپایی نمایشگاه بهاره نمی‌بینیم و امید داریم واحدهای صنفی، خود با برنامه‌ریزی، فروش‌های ویژه را تدارک ببینند. رئیس اتاق اصناف ایران هم دراین‌باره گفت: با آنکه نظر بنده این بود که نمایشگاه فصلی با توجه به انباشت تولید و رکود در کشور نباید برگزار شود؛ اما معاون اول رئیس‌جمهور نظر دارند که این نمایشگاه‌ها در شهرستان‌های محروم و با نظر استانداران برپا شود. علی فاضلی اظهار کرد: بالاتر از همه اینها، حمایت از دولت، فرمان رهبری است که ما هم از آن تبعیت می‌کنیم؛ اما باید گفت قاچاق حرفه‌ای در ایران نهادینه شد و حاشیه امنیت پیدا کرد و نمی‌توان با قاچاق ۲۲.۵میلیارد دلاری در کشور صحبت از تنظیم بازار کنیم. فاضلی معتقد است ما آن اراده لازم را برای بهبود فضا و برخورد با این معضل اجتماعی پیدا نکرده‌ایم.

ارز و طلا

وقتی چشم بر تابلوی صرافی‌ها بسته می‌شود
انکار دلار ۳۷۰۰ تومانی

● **شرق:** یک‌هفته‌ای می‌شود که دلار در فردوسی و چهارراه استانبول بیش از سه هزارو ۷۰۰ تومان معامله می‌شود؛ بااین‌حال غلامعلی کامیاب، معاون ارزی بانک مرکزی، این نرخ را منکر می‌شود. او در اظهارنظری که بر خروجی «مهر» قرار گرفته، گفته است: انجام یک یا چند معامله کوچک در مقیاس سه هزارو ۷۰۰ تومان یا معاملات فردایی چند دلال نمی‌تواند منعکس‌کننده نرخ ارز باشد. اگر این مسئول سری به چهارراه استانبول بزند و نیم‌نگاهی به تابلوی صرافی‌ها بیندازد، دلار را با قیمتی کمتر از سه هزارو ۷۰۰ تومان نمی‌یابد. این‌گونه اظهارنظرها به‌کرات در دولت گذشته درخصوص نرخ ارز شنیده شد و هر بار که دلار پرش جدیدی به نام خود ثبت می‌کرد، کتمان‌ها آغاز می‌شد. اظهارنظر اخیر کامیاب نشان می‌دهد او نیز چندان بدش نمی‌آید به راه گذشتگان برود. در تکمیل این موضوع باید گفت صرافی‌های پراکنده در سطح شهر، دلار را حداقل ۱۰ تومان گران‌تر از صرافی‌های خیابان فردوسی و چهارراه استانبول می‌دهند. در بازار ارز تهران با وجود اینکه کامیاب منکر شد، دلار کماکان بیش از سه‌هزارو ۷۰۰ تومان معامله می‌شود. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: دلار ابتدای صبح دیروز سه هزارو ۷۳۳ تومان معامله می‌شد اما در معاملات بعدی اندکی از قیمت آن کاسته شد. فشار قیمت دلار را تا سه هزارو ۷۰۹ تومان عقب راند اما در آخر وقت بازار، دلار باز هم میل به افزایش قیمت یافت و نهایتا بر سکوی سه هزارو ۷۲۰ تومان ایستاد. سکه طرح جدید هم تحت‌تأثیر افزایش نرخ ارز، مسیر صعودی را طی کرد. هر سکه طرح جدید دیروز ۹۶۶ هزار تومان معامله شد که در معاملات بعدی تا ۹۵۷ هزار تومان ریزش کرد. این ریزش هم تحت‌تأثیر کاهش قیمت دلار بود. در معاملات پایانی، قیمت سکه طرح جدید اندکی تقویت شد و بر ۹۵۹هزار و ۵۰۰ تومان توقف کرد. به این ترتیب حباب منفی سکه چهار هزار تومان افزایش یافت. اونس طلا هم به دلیل تعطیلی بازارهای جهانی همچنان بر عدد هزارو ۱۰۴ دلار ایستاده بود.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۷۲۰	-۵
یورو	۴۰۶۵	+۱۰
پوند	۵۴۲۰	-
درهم	۱۰۲۰	+۲

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۵۹۵۰۰	-۴۵۰۰
طرح قدیم	۹۵۸۰۰۰	-۵۰۰۰
نیم	۴۸۳۰۰۰	-۱۰۰۰
ربع	۲۶۳۰۰۰	-۱۰۰۰
گرمی	۱۷۳۰۰۰	-۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۸۱۰۳	+۲۴۳
اونس (دلار)	۱۱۰۴	-